

فهرست

سفر روح

مایکل نیوتون
محمود دانایی

زینت‌گفتار ناشر
مقدمه مترجم
مقدمه

۱۱
۱۵
۱۹
۲۶
۳۱
۵۲
۷۵
۸۵
۱۰۵
۱۲۱
۱۲۳
۱۶۳
۱۸۱
۲۱۷
۲۵۵
۲۷۹
۳۱۱
۳۲۷
۳۳۲

فصل اول	مرگ و عزیمت
فصل دوم	دروازه‌ی بروج
فصل سوم	بازگشت از میان راه
فصل چهارم	روح‌های خطا
فصل پنجم	آشنایی با بروج
فصل ششم	تعمیر و تحول
فصل هفتم	جایگزینی
فصل هشتم	راه‌های میان ما
فصل نهم	روح‌های مبتلا
فصل دهم	روح‌های آلوده
فصل یازدهم	روح‌های پاک
فصل دوازدهم	تعمیر و تحول
فصل سیزدهم	انتخاب
فصل چهاردهم	رخت سفر بستن
فصل پانزدهم	تولد دیگر
نتیجه	



فهرست

۱۱	پیشگفتار ناشر
۱۵	مقدمه‌ی مترجم
۱۹	مقدمه
۲۹	فصل اول. مرگ و عزیمت
۴۱	فصل دوم. دروازه‌ی برزخ
۵۳	فصل سوم. بازگشت به موطن اصلی
۷۵	فصل چهارم. روح‌های خطاکار (منزوی)
۸۵	فصل پنجم. آشنایی با برزخ
۱۰۵	فصل ششم. تغییر و تحول و جایگزینی در برزخ
۱۲۱	فصل هفتم. جایگزینی
۱۴۳	فصل هشتم. راهنمایان ما
۱۶۳	فصل نهم. روح‌های مبتدی
۱۸۹	فصل دهم. روح‌های متوسط
۲۱۷	فصل یازدهم. روح‌های پیشرفته
۲۵۵	فصل دوازدهم. نحوه انتخاب زندگی بعدی
۲۷۹	فصل سیزدهم. انتخاب جسم جدید
۳۱۱	فصل چهاردهم. رخت سفر بستن
۳۲۷	فصل پانزدهم. تولد دیگر
۳۳۹	نتیجه

مقدمه

آیا از مرگ وحشت دارید؟ آیا نگران هستید که پس از مرگ برایتان چه پیش می‌آید؟ آیا ممکن است شما روحی داشته باشید که از جای دیگری آمده و پس از حیات جسمانی به همان جا بازگردد؟ یا این تنها یک خوش‌خیالی و فکر واهی ناشی از ترس مرگ است؟

شگفت‌انگیز است که در میان مخلوقات روی زمین تنها آدمیان هستند که باید دائماً ترس از مرگ را در وجود خود سرکوب کنند تا بتوانند به‌طور عادی به زندگی بپردازند. با این حال، غریزه‌ی حیاتی ما هرگز نمی‌گذارد این دلواپسی را از یاد ببریم. هر قدر سن ما بالاتر می‌رود، شبح مرگ واضح‌تر خود را به ما می‌نمایاند. حتی اشخاص مذهبی هم می‌ترسند که مبدا مرگ پایان موجودیتشان باشد. بزرگ‌ترین وا همه از مرگ، ناشی از اندیشیدن به پوچی آن است، یعنی اینکه مرگ پایان تمامی پیوستگی‌ها و دل‌بستگی‌های ما به خانواده و دوستانمان باشد و اینکه مرگ سبب شود تمام اهداف و آمال و آرزوهای مادی و زمینی ما بی‌حاصل و بیهوده به نظر آید. اگر مرگ پایان همه چیز ما باشد، به‌راستی زندگی بی‌معنا و بیهوده خواهد بود. اما نیرویی درونی به انسان‌ها این توان را می‌دهد، که به جهان پس از مرگ، ارتباط و وابستگی به یک نیروی برتر و همچنین به جاودانگی روح اعتقاد پیدا کنند. اگر ما واقعاً دارای روح هستیم، پس این روح بعد از مرگ جسم به کجا می‌رود؟ آیا واقعاً در فراسوی جهان خاکی، بهشتی که جایگاه ارواح هوشمند است، وجود دارد؟ این بهشت چگونه جایی است؟ وقتی ما به آنجا می‌رسیم چه می‌کنیم؟ آیا موجود برتری

حکمران این بهشت است؟ قدمت این پرسش‌ها به قدمت وجود خود بشر می‌رسد و همچنان برای اکثریت ما به صورت معمای حل نشده باقی مانده است.

برای اغلب مردم، پاسخ صحیح به اسرار زندگی پس از مرگ، در پشت پرده‌ی شناختن روح پنهان است. این بدان جهت است که ما ذاتاً دچار فراموشی در مورد هویت روح خویشیم. اما اگر پرده را کنار بزنیم و به آگاهی برسیم، رابطه‌ی بین مغز و روح برایمان آشکار می‌شود.

در چند سال اخیر، نقل قول‌هایی از اشخاصی که موقتاً مرده و دوباره به زندگی بازگشته‌اند شنیده شده است. این اشخاص از یک دهلیز طولانی، نورهای درخشان و حتی برخورد کوتاه با ارواح مهربان صحبت کرده‌اند. اما هیچ‌یک از این موارد، که در کتاب‌های مربوط به تناسخ، یا زندگی‌های متوالی^۱ درج شده است، هرگز حاصلی بیش از یک اشاره‌ی کوتاه درباره‌ی دانستگی‌های زندگی پس از مرگ نداشته است. این کتاب گزارش صادقانه‌ای است درباره‌ی دنیای ارواح، که در طی آن مجموعه‌ای از سرگذشت‌های واقعی مطرح می‌شود و با ذکر جزئیات نشان می‌دهند که پس از پایان زندگی خاکی، بر ما چه می‌گذرد. شما به فراسوی آن دهلیز راهنمایی و به درون دنیای ارواح وارد می‌شوید، تا دریابید که پس از مرگ بر آنها چه می‌گذرد و چه مراحل را طی می‌کنند، تا در نهایت دوباره برای زندگی دیگری به کره‌ی خاکی بازگردند. من طبیعتاً آدم شکاکی هستم، هرچند که از مطالب این کتاب چنین بر نمی‌آید. حرفه‌ی من «خواب‌درمانی» Hypnotherapy و کار اصلی من اصلاح ناهنجاری‌های رفتاری برای درمان اختلالات روانی است. قسمت اعظم فعالیت من، کمک به بیماران برای مرتبط کردن افکار و عواطفشان است، تا از این راه به هویت تازه‌ی دست یابند و رفتار سالم و به‌هنجارتری داشته باشند. با همکاری خود بیماران سعی می‌کنیم به معنا، نقش و نتیجه‌ی هر یک از باورهای آنها پی ببریم. زیرا من معتقدم که هیچ‌یک از مشکلات روانی، تخیلی نیستند. در اوایل کارم، به سبب پای‌بندی به روش‌های متداول روان‌درمانی از جستجو و تحقیق درباره‌ی زندگی پیشین بیماران خودداری می‌کردم. در آن دوران هیپنوتیزم و روش بازگشت به سنین گذشته را برای شناخت ریشه‌ی خاطرات رنج‌آور و ضربه‌های روانی دوران کودکی به کار می‌گرفتم. لیکن احساس می‌کردم هر کوششی برای رسیدن به زندگی قبلی، غیرمتداول و خارج از

اصول عادی درمان بالینی است. علاقه‌ی من به موضوع زندگی‌های متوالی و امور ماورالطبیعه تنها یک کنجکاوی روشنفکرانه بود، تا اینکه به کار با یک بیمار جوان در زمینه‌ی کنترل درد مشغول شدم.

بیمار از یک درد مزمن در سمت راست بدن، که تمامی عمر او را آزار می‌داد، شکایت داشت. یکی از راه‌های کنترل درد توسط خواب‌درمانی این است که بیمار را به‌گونه‌ای هدایت کنیم تا سبب شدت و افزایش درد خود شود و به این وسیله نحوه‌ی کاهش درد خود را نیز بیاموزد و به این ترتیب توانایی کنترل درد را به دست آورد. در یکی از جلسات درمان، که به کار افزایش درد مشغول بودیم، بیمار برای اینکه بتواند زجر و درد خود را بازسازی و به‌شدت احساس درد کمک کند، در ذهن خود مجسم کرد که با ضربات کارد مورد حمله قرار گرفته است. در جستجوی ریشه‌ی این تصور ذهنی، من بالاخره به زندگی قبلی او رسیدم و دریافتم که در جنگ جهانی اول سربازی بوده که در فرانسه به ضرب سرنیزه کشته شده است. با این ترتیب موفق شدیم که درد را به کلی ریشه‌کن کنیم.

بنا به توصیه و ترغیب خود مراجعین، شروع به پس راندن برخی از آنان به دوران قبل از تولد اخیر، یا آخرین آمدنشان به جهان خاکی کردم. در ابتدا نگران بودم که آمیختن نیازهای کنونی، باورها و واهمه‌های بیمار ممکن است او را به تخیلات تازماری که ناشی از بازیابی این خاطرات است، دچار کند. اما دیری نپایید که دریافتم خاطرات عمیق ما مجموعه‌ای از تجربیات گذشته را تشکیل می‌دهند، که واقعی‌تر و پیوسته‌تر از آنند که بتوان آنها را نادیده گرفت. من پی بردم که از نظر درمانی رابطه‌ی بین وقایع زندگی‌های قبلی با آنچه که اکنون هستیم، تا چه اندازه مهم است. سپس من به کشفی با ابعاد گسترده دست یافتم. متوجه شدم که می‌شود از طریق چشم ذهنی کسانی که هیپنوتیزم شده‌اند، دنیای ارواح را مشاهده کرد و از چگونگی «محل گذران بین زندگی‌های زمینی»^۱ آنها باخبر شد.

موردی که سبب شد دروازه‌های دنیای ارواح به روی من گشوده شود، زن میان‌سالی بود که خیلی مستعد هیپنوتیزم به نظر می‌رسید. او در حال عقب رفتن زمانی در زندگی خود بود. معمولاً سوژه‌ها (مراجعین) وقتی تعریف زندگی اخیر خود را

۱. نویسنده محل گذران بین زندگی‌های زمینی را به عنوان قسمتی از عالم ارواح (spirit world) تلقی کرده است. برای روشنی بیشتر مطلب، از این پس این قسمت از عالم ارواح «برزخ» نامیده می‌شود. (مترجم)